معاون نهاد رهبری دانشگاه ملایر در گفتگو با سپهرغرب تشریح کرد:

واکاوی دو مفهوم علائم و شرایط ظهور

ما باید شرایط ظهور را فراهم کنیم، علائم ظهور چندان اهمیتی ندارد

شأن امام زمان اجل‌الله بالاتر از این است که با همه‌گیری یک بیماری ظهور کند!

علائم ظهور و قیامت و آخرالزمان با هم متفاوت است

سپهرغرب، گروه اندیشه - سمیرا گمار: معاون نهاد رهبری دانشگاه ملایر گفت: دو مفهوم علائم و شرایط ظهور با هم متفاوت است و بیش از شرایط ظهور به علائم پرداخته می‌شود که بعضاً اهمیتی هم ندارد.

«فراگیری این بیماری از نشانه‌های ظهور امام زمان (عج) است»، «در روایات آمده مرگ عبدالله نشانه ظهور است»، «می‌بینی دنیا را ظلم و فساد گرفته؟ این‌ها همه نشانه ظهور امام زمان (عج) است» و...

شاید شما هم این جملات را بسیار شنیده‌اید یا حتی خود نیز ناقل این جملات بوده‌اید که در رویدادهای اجتماعی و تحولات سیاسی بر زبان‌ها جاری می‌شود و خبر از ظهور می‌دهد! به دیگر بیان، به محض اینکه اتفاقی در گوشه‌ای از دنیا اتفاق میفتد عده‌ای به تکاپو میفتند تا این اتفاقات را به ظهور ربط دهند و پس از مدتی که آب‌ها از آسیاب میفتد و نشانه‌ها درست از آب درنمی‌آیند ناامیدی بر برخی از مردم چیره می‌شود که آیا واقعاً این روایات غلط است؟ یا اینکه دیگر باید چه اتفاقاتی بیفتد تا زمینه ظهور فراهم شود؟

بگذریم از اینکه عده‌ای در این میان با بازارگرمی دکان راه می‌اندازند، از جهل مردم سوءاستفاده کرده و احساسات مردم را به بازی می‌گیرند.

با این تفاسیر آنچه در ادامه سلسله گزارش‌های «پرونده مهدویت» و در این شماره واکاوی می‌کنیم؛ تبیین «علائم و شرایط ظهور» است. تفاوت این دو مؤلفه، اینکه کدام‌یک زمینه ظهور را فراهم می‌کند و نقش ما در این میان برای آمدن مهدی موعود (عج) چیست؟ از سؤالاتی است که در این گزارش به آن‌ها پاسخ خواهیم پرداخت.

آنچه می‌خوانید گفت‌وگوی خبرنگار سپهرغرب با معاون نهاد رهبری دانشگاه ملایر و مؤلف و محقق حوزه مهدویت در این خصوص است؛

وظیفه ما ایجاد شرایط است نه توجه به علائم!

حجت‌الاسلام‌والمسلمین سعید شیری در ابتدای سخنان خود به شرح تفاوت‌های میان «علائم و شرایط» ظهور پرداخته و گفت: شرایط ظهور بحث بسیار مهمی در مهدویت بوده و در روایات بر ایجاد این شرایط بسیار تأکید شده و وظیفه ما ایجاد این شرایط است؛ اما متأسفانه در این زمینه کم‌کاری شده و در مورد علائم ظهور که چندان اهمیتی هم ندارد و ما هم وظیفه‌ای در قبال ایجاد یا عدم ایجاد آن نداریم سخن‌ها گفته شده است.

علائم ظهور با علائم قیامت و آخرالزمان کاملاً متفاوت است!

وی تصریح کرد: علائم ظهور با علائم قیامت و آخرالزمان کاملاً متفاوت است و گاهی حتی در بین خواص هم این سه مورد با هم یکی گرفته می‌شود! در حالی که آخرالزمان در ادبیات روایت یعنی آینده؛ مثلاً در کتاب‌های زرتشتی داریم پیامبر آخرالزمان در کوه‌های مکه پدیدار خواهد شد، (پیامبر اسلام را پیامبر آخرالزمان می‌دانند) چون آخرالزمان یک امر نسبی است؛ به این بیان که نسبت به هزار سال قبل، الان آخرالزمان است و نسبت به هزار سال بعد الان وسط‌الزمان است.

معاون نهاد رهبری دانشگاه ملایر ادامه داد: از حضرت رسول (ص) روایت‌هایی نقل‌شده که می‌فرماید، در آخرالزمان این اتفاق میفتد و می‌بینیم در زمان بنی‌عباس آن اتفاق افتاده یا در زمان بنی‌امیه؛ بنابراین توضیح هر روایتی که در مورد آخرالزمان است نظیر اینکه دنیا پر از ظلم می‌شود یا مساجد خلوت می‌شود و... بعد از زمان پیامبر (ص)، امیرالمؤمنین (ع) و امام حسن (ع) و امام حسین (ع) اتفاق میفتند، این تعبیر به معنای اتفاق افتادن حوادث مذکور در عصر ظهور نیست، بنابراین خیلی‌ها این موضوع را اشتباه می‌گیرند و دنبال اتفاق افتادن آن‌ها هستند تا محقق شده و ظهور اتفاق بیفتد، در حالی که این اتفاقات مربوط به آخرالزمان است و ربطی به ظهور ندارد.

برخی از علائم مربوط به قیامت است و ربطی به ظهور ندارد

حجت‌الاسلام شیری تصریح کرد: نکته بعدی این است که برخی از علائم مربوط به قیامت است و ربطی به ظهور ندارد! مثل طلوع خورشید از مغرب که در روایت آمده، برخی این روایت را تطبیق داده‌اند که منظور از خورشید امام خمینی (ره) بود که از غرب یعنی نوفل‌لوشاتو به ایران آمد پس ظهور در حال اتفاق افتادن است در صورتی که این مسئله ربطی به ظهور ندارد و روایت بر خورشید اشاره می‌کند نه چیز دیگر.

وی بیان کرد: این روایت در کنار سایر روایت‌هایی که بر وقوع قیامت اشاره دارد و در آیات قرآن هم آمده نظیر متلاشی شدن کوه‌ها و... دال بر وقوع قیامت است نه ظهور که متأسفانه اشتباه برداشت شده است.

یک اشتباه رایج

مؤلف کتاب «منجی‌گرایی در عرفان‌های نوظهور» اضافه کرد: با این اوصاف اگرچه روایت‌های غلطی در مورد علائم ظهور واردشده اما روایت‌های صحیح هم وجود دارد اما محدود است؛ اشتباه رایجی در بین مردم است که همه فکر می‌کنند علائم ظهور قبل از ظهور اتفاق میفتد در حالی که علائم ظهور بعد از ظهور اتفاق خواهند افتاد چون بین ظهور و قیام فاصله است. مثل وجود مقدس پیامبر اکرم (ص) که به پیامبری مبعوث شدند اما همان موقع نجنگیدند بلکه سه سال دعوت مخفی بود و بعد دعوت علنی و بعد هم در نهایت جنگ‌هایی رخ داد.

ظهور و قیام متفاوت است

حجت‌الاسلام شیری تأکید کرد: در روایت داریم وقتی حضرت مهدی (عج) ظهور کنند ابتدا با مردم اتمام‌حجت می‌کنند، سفیران خود را به سراسر دنیا می‌فرستند، یاران گرد هم می‌آیند و بعد هم جنگ محدودی در یک منطقه جغرافیایی رخ خواهد داد.

وی با اشاره به روایتی در این زمینه گفت: محتمل‌ترین روایت مربوط به «ظهور» این است که روز جمعه مصادف با ۲۳ رمضان ظهور اتفاق خواهد افتاد و محتمل‌ترین روز برای «قیام» عاشورا است و این نشان می‌دهد قیام و ظهور باهم تفاوت دارند.

معمولا قیام را به معنای ظهور می‌آورند!

این پژوهشگر حوزه مهدویت با بیان اینکه علائم به چه چیزهایی اطلاق می‌شود، تصریح کرد: در روایت داریم خمس علامات قبل قیام‌القائم من‌المحتوم؛ پنج علامت قبل از قیام حتمی است، ازآنجایی‌که چون مترجمین تخصصی در مهدویت نداشته و در ادبیات عرب تخصص دارند، معمولاً قیام را به معنای ظهور می‌آورند! در خیلی از کتاب‌ها این مسئله باعث شده مردم گمان کنند این علائم «قبل از ظهور» اتفاق میفتد درحالی‌که گفته‌اند «قبل از قیام» و این مقوله همان‌طور که عرض کردم با ظهور متفاوت است.

حجت‌الاسلام شیری افزود: این یک‌چیز معقول و عادی است که علامت بعد از معلول است، فرض کنید کسی دچار بیماری شده در این صورت علامت بیماری هم بعد از ابتلا خود را نشان می‌دهد؛ بنابراین در هر رابطه علی اول بایستی علت و شرط بیاید.

علائم ظهور چه فایده‌ای دارد؟

وی با طرح این سوال که علائم ظهور چه فایده‌ای دارد؟ تصریح کرد: این علائم جنبه کاشفیت دارد و ما کشف می‌کنیم کسی که ظهور کرده واقعاً امام مهدی (عج) است. فرض کنید این هفته جمعه یک نفر آمد و ادعا کرد من مهدی‌ام اگر علامات موجود باشند صحت ادعای او اثبات می‌شود؛ مثلاً یکی از علامات بعد از ظهور است که جبرئیل ندا می‌دهد به یاری حضرت بشتابید. اگر علائم به وقوع پیوست متوجه می‌شویم که مدعی راست گفته اما در غیر این صورت ادعای او اعتباری نخواهد داشت و او مدعی دروغین خواهد بود.

مؤلف کتاب «عهد انتظار» یادآوری کرد: وجود علامت هیچ تأثیری در اتفاق افتادن ظهور ندارد و این نکته را باید دقت کرد، اما شرایط بالعکس، مقدمات ظهور را فراهم می‌کند و اگر آن‌ها نباشند ظهوری اتفاق نمی‌افتد.

چه شرایطی باعث اتفاق و تعجیل در ظهور می‌شود؟

حجت‌الاسلام شیری با اشاره به اهمیت شرایط ظهور تأکید کرد: روایت‌های متفاوتی داریم خاصه از حضرت صادق علیه‌السلام که فرموده‌اند هر حکومتی در هرجایی بخواهد اتفاق بیفتد به چهار رکن اساسی نیاز دارد و اگر این چهار رکن نباشد حکومت دایر نمی‌شود؛ نخست حاکم، دو یاران و کارگزاران، سه قانون و چهارم خواست مردم. در همه جا همین‌طور است از همین مصاحبه بگیرید تا انقلاب اسلامی، لذا ظهور حضرت هم بر این اصل استوار است و باید این چهار شرط پدید آید.

وی یادآوری کرد: دو مورد از شرایط مذکور را خدا آماده کرده؛ نخست حاکم و دیگری قانون، حاکمی که به راه‌های آسمان و زمین دسترسی دارد، خیر دنیا و آخرت بشر را می‌داند، آشنا به احکام دین و قرآن و اسلام بوده، در واقع او منتظر ماست و کسی نیست جز مهدی (عج) لذا نیاز است ما کاری کنیم تا او بیاید و دیگری هم قانون که در آخرین کتاب آسمانی یعنی قرآن همه راه‌های سعادت دنیوی و اخروی بشر در آن آمده است.

این استاد دانشگاه اعلام کرد: اما دو مورد از شرایط بر عهده ماست؛ نخست وجود یار و کارگزار برای حضرت مهدی (عج) و دیگری خواست مردم به این معنا که با شناساندن حضرت به دنیا برای حضرت کادرسازی کنیم؛ اینکه برخی می‌گویند دنیا پر از ظلم می‌شود و مهدی (عج) می‌آید این طور نیست! بلکه باید نیروهایی برای یاری حضرت باشند. قرار بر فساد و ظلم باشد که همان فساد و ظلم و در خطر بودن جان حضرت باعث شد ایشان از نظرها غایب شود لذا باید ببینیم یاران حضرت چه ویژگی‌هایی دارند و ما هم بر مسلک آنان پیش برویم.

حجت‌الاسلام شیری با بیان اینکه یاران حضرت مهدی حلقه‌های مختلفی دارد، ابراز کرد: این یاران شامل «اوتاد» است که چهار نفرند، «موالی» ۳۰ نفر، «ابدال» ۴۰ نفر، «اصحاب» ۳۱۳ نفر، «انصار» ۱۰ هزار نفر و «شیعیان» که خیلی بیشترند که هر کدام صفات و ویژگی‌های خود را دارند.

وی اذعان کرد: این اشتباه است که می‌گویند یاران حضرت ۳۱۳ نفر هستند و به محض پای کار بودن این ۳۱۳ نفر حضرت ظهور می‌کند! فقط انصار ۱۰ هزار نفرند و امام صادق علیه‌السلام فرموده مهدی ظهور نمی‌کند مگر اینکه انصار تعدادشان تکمیل شود و وقتی سوال می‌کنند حضرت در پاسخ می‌فرمایند تعداد آن‌ها ۱۰ هزار نفر است. لذا دقت در سیره و سبک زندگی و صفات این افراد می‌تواند برای ما مفید بوده و منجر به کادرسازی شود.

این محقق برجسته حوزه مهدویت عنوان کرد: شرط آخر هم که بایستی ما آماده کنیم «خواست مردم» است؛ به این معنا که کاری کنیم تا مردم دنیا حضرت مهدی (عج) را آن‌طور که هست بشناسند نه آن‌طور که هالیوود، اسرائیلیات و روایات جعلی می‌گویند، اگر حضرت را آن‌گونه که است به مردم بشناسانیم آن‌ها وجود مبارک مهدی موعود (عج) را می‌خواهند چون تشنه عدالت هستند و فطرتاً عدالت را دوست دارند، مانند بسیاری از مردمی که در اقصی نقاط ایران حتی امام خمینی (ره) را از نزدیک ندیده، اما عاشق او شده بودند، در مورد مهدی (عج) هم همین طور است و باید کاری کنیم تا مردم دنیا ایشان را بشناسند.

حجت‌الاسلام شیری خاطرنشان کرد: در روایتی از حضرت صادق علیه‌السلام آمده است که ۶ ماه قبل از ظهور حضرت مهدی علیه‌السلام اسم ایشان در سراسر دنیا بر سر زبان‌ها خواهد افتاد؛ لذا این موارد و جهانی‌شدن نام مهدی (عج) نشانه ظهور است نه همه‌گیر شدن یک بیماری! که برخی تا ویروس کرونا آمد گفتند دنیا را بیماری گرفته پس ظهور نزدیک است! شأن حضرت مهدی (عج) بسیار بالاتر از آن است که ظهور ایشان منوط به شیوع یک بیماری باشد.

چه کنیم مردم دنیا امام زمان را بشناسند و بخواهند؟

وی به این نکته نیز تأکید و اشاره کرد: هرکسی می‌تواند فضائل حضرت را به‌نوعی به گوش جهانیان برساند، هر کس با هر هنری که دارد؛ اگر کسی می‌تواند یک شعر بگوید، کسی می‌تواند مراسمی بگیرد، کتاب ترجمه کند، فیلم بسازد، کتاب بخرد و توزیع کند. همه ما می‌توانیم هر کاری که در حد توانمان است را برای شناساندن حضرت انجام دهیم.

شهید بابانمازی و سه‌شنبه‌های مهدوی

این مترجم و مؤلف کتب حوزه مهدویت با اشاره به طرح سه‌شنبه‌های مهدوی گفت: ما نباید خودمان را دست کم بگیریم، این طرح با اقدام دو جوان جهادی که دغدغه یاد و نام حضرت مهدی (عج) را داشتند شروع شد؛ شهید بابانمازی با توزیع شربت در یکی از مناطق تهران تصمیم گرفت نام امام زمان (عج) بر سر زبان‌ها جاری شود و بعدازاینکه او در اردوی جهادی به شهادت رسید دوستانش و در نهایت در پنج هزار نقطه از ایران و حتی کشور عراق این راه و مسیر ادامه داشت؛ در حال حاضر هم شاهد این هستیم که بدون هیچ بودجه خاصی از نهاد یا دستگاه ویژه‌ای یک حرکت بزرگ مردمی به نام امام زمان (عج) در حال انجام است؛ هیچ‌وقت خودمان را دست‌کم نگیریم و برای آمدن مهدی موعود (عج) در حدی که می‌توانیم قدم برداریم.

اقتصادی

دلار و بورس روی کدام اعداد به تعادل می‌رسند

چرا با وجود کاهش قیمت ارز قیمت کالاها کم نمی‌شود؟

سپهرغرب، گروه اقتصادی: استاد اقتصاد دانشگاه تهران با تأکید بر اینکه قیمت واقعی و بنیادی دلار براساس مطالعات انجام شده حوالی ۲۰ هزار تومان است، گفت: صادرکنندگان، روی تنزیل ارز مقاومت می‌کنند و اجازه کاهش نمی‌دهند.

این روزها به واسطه ریزش چند هزار تومانی دلار، بازار شایعات و تحلیل‌ها در مورد آینده قیمت در بازار سهام، خودرو، طلا و ارز داغ است به همین علت هیجان و اثرات روانی آن را به وضوح می‌توان در این بازارها و ریزش قیمت‌ها مشاهده کرد.

علاوه بر آن میزان تأثیر کاهش دلار روی قیمت کالا و خدمات مصرفی مردم بسیار با اهمیت است. برای پیش‌بینی وضعیت نرخ ارز و تأثیر آن روی متغیرهای اقتصادی و بازارهای گوناگون به سراغ استاد اقتصاد دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران رفتیم.

تیمور رحمانی براساس مطالعات انجام‌شده معتقد است که رسیدن دلار به ۱۱ تا ۱۲ هزار تومان را نشدنی می‌داند و می‌گوید صادرکنندگان انحصاری در سامانه نیما که قدرتشان کم هم نیست اجازه ریزش قیمت ارز را نمی‌دهند و از طرفی جهش قیمت مسکن و سهام نیز با واقعیت‌ها و منطق اقتصادی نیز هم‌خوان نیست.

از وی درباره امکان کاهش قیمت کالاها و خدمات پس از کاهش قیمت ارز هم پرسیدیم. این پرسشی بود که مخاطبان فارس با ثبت سوژه «چرا قیمت‌ها با افت قیمت دلار کاهش نمی‌یابد؟» در سامانه فارس من طرح کرده بودند.

مشروح این گفت‌وگو بدین شرح است:

با توجه به روند کاهشی قیمت ارز در روزهای اخیر مردم انتظار دارند که آثار آن را در کاهش قیمت کالا و خدمات مشاهده کنند. گفته می‌شود در بازارهای مختلف مانند بازار خودرو همه فروشنده شدند یا منتظر هستند که چه زمانی شرایط قیمت‌ها تثبیت می‌شود. آیا این انتظار صحیح است؟ رابطه قیمت ارز با قیمت کالاها و دارایی را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

فکر نمی‌کنم نرخ ارز جا داشته باشد که خیلی پایین بیاید. بر اساس مبانی و بنیادهای اقتصاد جای چندانی برای پایین آمدن ندارد. در حالت خوش‌بینانه حوالی ۲۰ هزار تومان می‌تواند باشد. بر اساس مطالعات خودم و دانشجویانم همین حدود را متصور هستیم. تفاوت میان قیمت کالا و دارایی‌ها وجود دارد. در سال ۹۹ به دلیل شدید بودن انتظارات تورمی، بسیاری فکر می‌کردند تحت‌فشار تحریم‌ها کشور دچار بن‌بست می‌شود و به‌ناچار به چاپ پول برای گذراندن امورات روزمره روی خواهند آورد. متناسب با این نگاه و انتظارات شدید تورمی، قیمت دارایی‌ها از حد نرمال و طبیعی و بنیادی اقتصاد بالاتر رفت. خودرو نیز جنس دارایی به خود گرفت و قیمت آن وحشتناک بالا رفت. به همین دلیل بود که از حالت کالا خارج شد و جنس دارایی پیدا کرد. بعضی حتی فکر می‌کردند پایه پولی و نقدینگی به سمت ۱۰۰ درصد برود. کسی تصور رشدهای معمولی و اندکی بالاتر از آن را نداشت و فکر می‌کردند از کنترل خارج می‌شود.

بعد معلوم شد که این خبرها نیست و انتظارات تورمی زیاد از حد بدبینانه بوده است. قاعدتاً باید قیمت‌ها برمی‌گشت و تعدیل می‌شد. همین اتفاق هم افتاد. اگر دقت کنید قیمت همه دارایی‌ها با چاشنی انتخابات امریکا همراه شده و باعث کاهش قیمت‌ها شد؛ اما هنوز قیمت کالاها خود را با ارز تعدیل نکرده و قیمت خدمات به نسبت به دارایی‌ها رشد پیدا نکرد.

واقعیت این است که اکنون قیمت دارایی‌ها افت پیداکرده اما نباید انتظار داشت سطح قیمت کالا و خدمات کاهشی شود، چون افزایش آن‌ها قابل توجه و منطبق با رشد ارز نبوده است.

مسئله دوم در این باره مسئله چسبندگی قیمت‌ها است. باید توجه کرد که نباید انتظار کاهش قیمت کالاها را داشت؛ اما شاید برخی کالاهایی که مستقیم با ارز ارتباط دارند مقداری از قیمت آن‌ها کاسته شود.

این روزها قیمت ارز در بازار حدود ۲۱ تا ۲۳ هزار تومان نوسان می‌کند. از طرفی در سامانه نیما قیمت دلار همچنان روی ۲۵ هزار تومان باقی‌مانده است. چرا این نرخ، خود را با بازار هماهنگ نمی‌کند؟ نکته دیگر اینکه صادرات غیرنفتی خود را با دلار ۲۵۰۰ تومانی تنظیم کرده و اگر قیمت دلار پایین بیاید آیا شاهد افت صادرات خواهیم بود یا وضعیت تغییری نخواهد کرد؟

در رابطه با اینکه چرا قیمت ارز در سامانه نیما واکنش نشان نداده است، باید گفت شرایط بازارها با هم متفاوت است. در بازار اسکناس، عده‌ای می‌خواهند قدرت خرید خود را حفظ کنند و شرایط آن با سامانه نیما متفاوت است. نیما شکل بازار ندارد و بیشتر سامانه است که صادرکننده و واردکننده با هم سروکار دارند.

به خاطر این که صادرکنندگان اصلی قدرت انحصاری دارند در مقابل کاهش نرخ دلار مقاومت می‌کنند. چون در نیما بازار رقابتی نیست این امکان وجود دارد که قیمت دلار پایین نیاید. البته عدم اطمینان نیز از شرایط کنونی وجود دارد و زود است بگوییم قمیت آن کاهشی شود. از طرفی خریدار ارز برای واردات کالا نمی‌تواند از بازار اسکناس نیاز خود را تأمین کند به خاطر مشکلات نقل‌وانتقال و هزینه‌های جانبی که به آن مترتب است؛ بنابراین وارد کننده نیاز خود را از طریق سامانه نیما تأمین می‌کند. در مقیاس تأمین ارز کلان مثل دو میلیون دلار اگر واردکننده بخواهد از بازار اسکناس جمع کند جابجا کردن آن دشوار است در حقیقت این بازارها تفکیک شده‌اند و خریداران و فروشندگان آن نمی‌توانند این دو را جایگزین هم کنند. صادرکنندگانی که قدرت انحصاری دارند احتمال این را می‌دهند که با آمدن رئیس جمهور جدید آمریکا ممکن است خبری نباشد و بعد از افتتاح اولیه ارز ناشی از انتظارات مجدداً قیمت‌ها بازگردد.

این دیدگاه که با حضور بایدن در آمریکا هم اتفاق خاصی در مورد کاهش نرخ دلار رخ ندهد و قیمت بالا برود، چقدر محتمل است؟

بله؛ دور از ذهن نیست. ما با سیاسیون در ارتباط نیستیم و باید شرایط پیش‌رو را بررسی کرد.

با حضور تیم جدید در آمریکا احتمال دارد که شاهد ریزش قیمت دلار باشیم؟ چه عواملی باعث شده پیش از اتفاقات جدید ناشی از انتخابات آمریکا، قیمت ارز در بازار ریزشی شود؟

قیمت همه دارایی‌ها از جمله دلار بیش از ارزش واقعی بالا رفته بود. در حال حاضر به‌دلیل ترسیم آینده بهتر، مبانی این قیمت‌های جهش‌یافته، سست شده و تعدیل آن چیز عجیبی نیست.

آیا در نقشه ارزی کشور و یا صادرات غیرنفتی، صادرات نفتی و بازگشت دلارهای بلوکه‌شده اتفاقی افتاده یا راه جدیدی برای دسترسی به ارزهای خارج از کشور باز شده است؟

ترامپ فرد کله شقی بود و همه دنیا این مسئله را دید. در شرایط کنونی، مقداری دسترسی به ارزهای خارج از کشور بیشتر و بهتر شده است. به‌نظرم دلیل اصلی مسئله انتظارات بود که فضا در حال حاضر تغییر کرده و دسترسی به منابع بیشتر شده البته تولید و فروش نفت نیز نسبت به قبل بهبود یافته است.

رسیدن قیمت دلار به ۳۳ و ۳۵ هزار تومان نرخ واقعی و بنیادی نبود؛ بنابراین از نرخ‌های کنونی تعجبی نداریم. چون دانشجویان اقتصاد روی نرخ‌های بنیادی با رانت منابع طبیعی و بدون آن، مطالعات و برآورد دارند. حداقل قیمت واقعی در شرایط کنونی ۲۰ تا ۲۲ هزار تومان پیش‌بینی می‌شود. این نرخ‌ها ربطی به اینکه بانک مرکزی چه می‌خواهد، ندارد بلکه مطالعات است.

با این اوصاف انتظار قیمت پایین‌تر را نداریم. عواملی مانند انتظارات، بهبود دسترسی به منابع و شرایط سیاسی در ریزش قیمت دلار موثر بودند. مسئله دیگر این است که متاسفانه منافع بازار سهام هم در میان ارز با قیمت بالا نهفته است. یک سال پیش این مسئله را گفتم. شرکت‌های عمده صادراتی وقتی قیمت ارز بالا باشد سودآوری زیادی خواهند داشت و مانع از افت سهام می‌شوند. ممکن است شرکت‌های بزرگ بگویند بازار ارز را وادار می‌کنیم که ریزش قیمت ادامه پیدا نکند.

با این نگاهی که شما داشتید، علت ریزش شاخص بورس در روزهای اخیر چیست؟ از طرفی هنوز قیمت ارز نیما کاهش نیافته است؟ چه عواملی بر این بازارها موثر بود؟

بالاخره دو اثر در این موضوع وجود دارد. بخشی انتظارات بود که گفته شد. دولت هم مایل است که نرخ دلار پایین بیاید. نه اینکه به سمت ۱۰ یا ۱۱ هزار تومان برسد، بلکه زیر ۲۰هزار تومان باشد. از طرفی صادرکنندگان مایل نیستند نرخ ارز پایین بیاید و به شدت با آن مشکل دارند. قدرتشان هم کم نیست و مشاهده کردید نرخ دلار بعد از روند نزولی، اندکی افزایش یافت. منافعشان در این است که نرخ دلار پایین نیاید و اجازه قدرت مانور در این زمینه را ندهند. مگر این که درآمدهای نفتی بیاید و آثار آن را ببینیم که البته زمان‌بر است.

با توجه به اینکه صادرات خود را با ارز ۲۵ هزار تومانی تنظیم کرده و هزینه تولید برخی کالاها برای صادرات زیاد است و با این نرخ مزیت صادراتی پیدا می‌کنند اگر قیمت دلار کاهشی شود، فکر می‌کنید صادرات غیرنفتی شاهد تحولات خاصی خواهد بود؟

به‌هرحال برخی کالاهای صادراتی صرفه اقتصادی نخواهد داشت. صادرکنندگان اصلی مانند پتروشیمی‌ها، فولادی‌ها و معدنی‌ها و نظایر آن هستند که سهم عمده دارند. علی‌رغم ناکارایی که وجود دارد، تفاوت هزینه تولید و صادرات شان خیلی زیاد بوده و بعید است با کاهش اندک نرخ ارز تغییری در صادرات آن‌ها ایجاد شود. اگر قیمت روی ۱۰ تا ۱۲ هزار تومان باشد معلوم است صادرات برای آن‌ها نیز به‌صرفه نیست؛ به همین خاطر انتظار نداریم که نرخ دلار تنزل قابل‌توجه داشته باشد.

رئیس‌جمهور اخیراً گفته بود اگر هفت میلیارد دلار کره جنوبی آزاد شود دلار به ۱۵ تومان می‌رسد و قبل‌تر نیز عنوان کرده بود برنامه ما برای سال آینده این است که دلار به ۱۱ هزار و ۵۰۰ تومان برسد و به رئیس‌کل بانک مرکزی نیز در این زمینه دستور داده‌ام.

نه مطمئن باشید هیچ‌وقت به این اعداد نمی‌رسد

اخیراً برخی از شرکت‌های حقوقی بورسی نیز نظرشان این بود که دلار تا ۱۷ هزار تومان کاهش می‌یابد به همین علت شاهد خروج سرمایه از بازار هستیم.

: خیلی سخت است که دلار روی ۱۷ هزارتومان بیاید. ولی اینکه روی ۱۲ هزار تومان باشد نه به مصلحت اقتصاد ایران است و نه به راحتی امکان‌پذیر می‌شود. بانک مرکزی به راحتی تن به این مسئله نمی‌دهد که با تزریق ارز به بازار قیمت بازار را کاهش دهد. علاقه‌ای به این کار ندارد. در سخت ترین شرایط مقاومت کرده و سعی شده در حاشیه بازار مداخله کند تا ذخایر ارزی را از دست ندهد.

بعید است بانک مرکزی زیر بار برود که نرخ را به‌زور پایین بیاورد. نرخ جایی برای ریزش قابل‌توجه ندارد.

امکان دارد قیمت کالاهایی که مستقیم با ارز سروکار دارند کاهش یابد؟

بالا رفتن قیمت خیلی از کالاها به خاطر نرخ ارز نیست، مسئله اصلی این است که اساساً امکان واردات ندارند؛ مثلا بهترین لپ‌تاپ با نرخ ارز آزاد در بازارهای دیگر ۴۰ میلیون تومان است اما در بازار ما ۱۰۰ میلیون تومان فروخته می‌شود. چون امکان واردات آن فراهم نیست. به محض اینکه واردات شود دو اثر قیمتی و تقاضا می‌تواند در مجموع در برخی کالاها و اقلام باعث کاهش قیمت شود؛ اما در سایر کالاها تأثیر محسوسی نخواهد داشت.

در مورد تأثیر نرخ ارز روی بازار بورس نظرتان چیست؟ وضعیت شاخص بورس را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ ریزش‌ها تا چه زمانی ادامه‌دار خواهد بود؟

رابطه بلندمدتی برای بورس، مسکن و ارز پیش‌بینی کردیم. تا پایان شهریورماه امسال قیمت سهام خیلی پرش کرده بود. تازه در شهریورماه نشان می‌داد که این جهش زیاد بوده وای به حال اینکه بخواهید با قیمت‌های مردادماه که در اوج بود، مقایسه کنید. در حال حاضر به‌نظر می‌رسد با وضعیت فعلی شاخص بازار و قیمت سهام با افتی که کرده خیلی جایی برای کاهش قابل‌توجه نداشته باشد و در همین حدود بازی کند. دست‌کاری‌هایی که در بازار سهام می‌شود مانع از این بوده که به نتیجه درست برسیم.

منظورتان روی شاخص یک‌میلیون و ۱۰۰ هزارتا یک‌میلیون و ۲۰۰ هزار واحد است؟

بله بعید است تمایلی برای کاهش قابل توجه وجود داشته باشد. نسبت به همین موقع نقدینگی را که بررسی می‌کنیم ۳۸ درصد رشد کرده است. این کار پوششی برای قیمت‌های بالا است. رشد قیمت سهام و مسکن از رشد نقدینگی نیز جلو زده بودند. در حال حاضر با افتی که رخ‌داده و همچنین رشد نقدینگی که داریم همگرایی میان این دو شاخص در حال ایجاد شدن است.

با توجه به خارج شدن پول از بازار سرمایه کدام بازار قابلیت جذب دارد؟ چه اتفاقی برای این پول‌ها می‌افتد؟

هیچ اتفاقی نمی‌افتد. سیالیت سپرده‌ها کم می‌شود. آدم‌ها به‌جای خریدوفروش در بازارهای گوناگون، سپرده در بانک ماندگار می‌کنند. احتمالاً سهم سپرده‌های غیردیداری افزایش پیدا می‌کند. ماه قبل رشد حجم پول کم شده بود که نشان می‌دهد از سیالیت نقدینگی کاسته شده است.

گفت‌وگو از مجتبی رحمتی